

## صادرات غیرنفتی و رابطه مبادله

موازنات افزایش درآمدهای نفتی - که به مفهوم وابستگی هر چه بیشتر اقتصاد ایران به نفت و در تعارض با رویکرد برنامه چهارم است - بی‌تردید به فرصت‌سوزی‌های غیرقابل توجیهی منجر خواهد شد که آینده بازار نفت امکان جبران آنرا نخواهد داد.

لذا لازمست از این فرصت تاریخی که تحولات جهانی نفت، صرفنظر از علل وقوع آن،

فراروی کشورمان نهاده و قطعاً تاکنون هیچ دولتی شانس برخورداری از چنین موقعیتی را تجربه نکرده، به شیوه‌های مطلوب بهره گرفت و وجوه حاصله از فروش نفت را به جای سوزاندن در تنور مصرف به سرمایه‌گذاری‌های مولد تبدیل کرد و چرخه سرمایه‌گذاری - تولید - و صادرات غیرنفتی را متحول ساخت. زیرا راه توسعه اقتصادی کشور از مسیر هموار، مقرون به صرفه و رقابتی صادرات غیرنفتی می‌گذرد. در این راستا ارتقای صادرات در بخش‌های صنعتی با ارزش افزوده بالاتر که متضمن بهبود رابطه مبادله کشور شود، باید در اولویت‌های صادراتی، در قالب یک استراتژی مدون توسعه صادرات مورد توجه خاص قرار گیرد.

خوشبختانه در سال گذشته و سال جاری، توفیقاتی در زمینه صادرات غیرنفتی حاصل شد و رشد آن از برنامه چهارم فراتر است. بر این اساس گزارش نهایی گمرک در مورد آمار واردات و صادرات ایران در سال ۸۴ حاکی است که صادرات غیرنفتی در سال گذشته به رقم ۱۰۴۹۴ (۲) میلیون دلار رسید که به لحاظ ارزش، ۳۸/۶ درصد رشد نسبت به سال ماقبل افزایش نشان می‌دهد که باتوجه به میانگین رشد ۱۰/۷ درصدی صادرات غیرنفتی در برنامه چهارم توسعه



**ناگفته پیداست که افزایش بهای بین‌المللی نفت خام که ظاهراً نگرانی کشورهای صنعتی غربی مصرف‌کننده نفت را برانگیخته، فی‌الواقع چندان هم به زیان آنان نیست.**

باز می‌گردد. اما در این میان بیشترین زیان متوجه کشورهای در حال توسعه ضعیف و فاقد نفت شده و روند توسعه اقتصادی آنان را به شدت آسیب پذیر می‌سازد.

در عین حال، عدم بهره‌گیری بهینه از وجوه حاصل از فروش نفت در کشورهای صادرکننده از جمله ایران نیز جامعه را با آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی جدی مواجه می‌سازد که محتمل‌ترین آن ابتلا اقتصاد کشور به بیماری هلندی است که علایم وقوع آن نیز آشکار شده و بی‌تردید تبعات مخرب اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت.

در این راستا، افزایش واردات با ترکیبی نامطلوب و روند فزاینده مصارف دولت به

تحولات عظیم سیاسی و اقتصادی جهان نظیر افزایش تقاضای جهانی نفت، محدودیت عرضه و سیاستگذاری‌های تنظیم تولید و عرضه اوپک، ناآرامی‌های نفتی نیجریه به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت خام آفریقا، دستیابی ایران به چرخه سوخت هسته‌ای و تحولات سیاسی عراق من حیث المجموع بازار جهانی نفت و به تبع آن طلا را متلاطم ساخته و

منجر به روند افزایش شتاب‌آلود قیمت‌ها شده است به طوری که در ماه گذشته (۲۰۰۶) بهای هر بشکه نفت WTI از ۷۵ دلار فراتر رفت و قیمت هر اونس طلا نیز از مرز ۶۷۰ دلار گذشت. گرچه به سبب تحولات در طرف تقاضا به سبب تغییرات دمای هوا و سطح بالای میزان ذخایر انرژی آمریکا و بسیاری عوامل سیاسی و اقتصادی دیگر، نفت و طلا هر دو مشمول کاهش قیمت شدند و بر این اساس در حال حاضر قیمت هر بشکه نفت تگزاس به حدود ۶۰ دلار<sup>(۱)</sup> و نفت اوپک به ۵۲ دلار تنزل یافت. اما باید پذیرفت که بهای نفت در همین حد کنونی نیز در قیاس با گذشته، افزایش چشمگیری داشته و موجبات رشد سریع درآمدهای نفتی کشورهای صادرکننده نفت را فراهم ساخته است.

ناگفته پیداست که افزایش بهای بین‌المللی نفت خام که ظاهراً نگرانی کشورهای صنعتی غربی مصرف‌کننده نفت را برانگیخته، فی‌الواقع چندان هم به زیان آنان نیست. زیرا آنچه افزایش بهای نفت از طریق صادرات آن عاید کشورهای صادرکننده می‌کند، در شکل واردات کالاهای صنعتی به مبادا تولید آنها یعنی همان کشورهای صنعتی مصرف‌کننده نفت

حائز اهمیت است. از طرفی، ترکیب صادرات نیز به نحو رضایت بخشی بهبود یافت، زیرا کالاهای صادراتی با ارزش افزوده بالا نظیر کالاهای کارخانه‌ای و پتروشیمی و صنایع پایین دستی نفت و گاز، حدود ۷۱ درصد از کل صادرات غیرنفتی را شامل شده که گامی در جهت بهبود رابطه مبادله است.

اما باید اذعان داشت، گرچه متوسط بهای یک تن کالای صادرات غیرنفتی ما در سال ۸۴، به ۴۸۶/۶۰ دلار رسید که ۹/۲ درصد افزایش نسبت به سال ماقبل نشان می‌دهد، اما در قیاس با بهای متوسط یک تن کالای وارداتی که به استناد همان منبع ۱۱۲۳/۷۰ دلار گزارش شده، قطعاً راه درازی در پیش است تا رابطه مبادله که هم اکنون ۲/۴ برابر به زیان صادرات غیرنفتی است به نفع تجارت خارجی کشورمان تغییر کند. مضاف آنکه گرچه نسبت صادرات غیرنفتی به

واردات کشورمان در سال اول برنامه چهارم نسبت به سال ماقبل افزایش یافته و از ۲۰/۷ درصد به ۲۶ درصد رسیده و بنا بر پیش‌بینی واحد تحقیقات اقتصاد ایران این نسبت در سال جاری به ۲۹/۷ درصد خواهد رسید<sup>(۳)</sup> اما مع الوصف این کمیت بیانگر عمق وابستگی اقتصاد کشور به واردات است که خود باعث خروج وجوه حاصل از فروش ثروت‌های ملی و تضعیف تولید ملی و از دست رفتن فرصت‌های شغلی است مضاف آنکه سوگمندها باید اعتراف کرد که حدود ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار واردات کالاهای قاچاق نیز ابعاد فاجعه را وسعت می‌بخشد.

بر این اساس، لازمست هر چه سریعتر استراتژی توسعه صادرات صنعتی کشور با هدف صدور کالاهای تولیدی با ارزش افزوده بالا و احتراز از صدور کالاهای خام به منظور قرار دادن آن‌ها در پروسه‌های تولیدی

و تنوع بخشی به کالاهای و فرآورده‌های صنعتی و کشاورزی و صنایع تبدیلی و بهبود ترکیب کالاهای وارداتی به نفع ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در جهت تقویت صادرات غیرنفتی به پشتوانه منابع ارزی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تدوین شود. یادمان باشد که تنها راه تحرک و پویایی اقتصاد کشور و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز توسعه، تقویت تولید ملی و صادرات غیرنفتی است

### زیرنویس‌ها:

- ۱- نگاه کنید به روزنامه سرمایه ۸۵/۱۱/۲۱
- ۲- نگاه کنید، به آمارهای گمرک ایران در سال ۸۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۳- نگاه کنید به ماهنامه اقتصاد ایران شماره ۹۳



# رضائیان

## مشاور امور گمرکی، واردات، صادرات و ترخیص کالا از کلیه گمرکات و بنادر کشور

---

**انجام کلیه ثبت سفارش واردات در مقابل صادرات، بدون انتقال ارز و ترخیص کالا از کلیه گمرکات کشور**

---

**آدرس: تهران خیابان مطهری خیابان میر عماد کوچه ۶ پلاک ۱۱ طبقه سوم واحد ۶ بازرگانی رضائیان**

**تلفن: ۲ - ۸۸۷۴۷۹۷۱      فکس: ۸۸۷۴۴۲۹۰**